

عنوان مقاله:

مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل گیری «حس خود»

محل انتشار:

دوفصلنامه معماری اقلیم گرم و خشک، دوره 3، شماره 3 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسنده:

شمین گلرخ - دانشجوی دکترای طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

در زندگی همه ما مکان هایی وجود دارند که خود را بدون آن ها نمی توانیم تصور کنیم. هر یک از آن ها بخشی از «من» یا «خود» ما را می سازند. آنچه روانشناسان بدان «هویت شخصی» می گویند. مفهوم روانشناختی «هویت مکانی»، معرف جنبه هایی از هویت شخصی فرد است که به واسطه تجربه مکان ها حاصل می شود؛ اما در توضیح جنبه ی کالبدی هویت شخصی، نظریه های مختلفی وجود دارد که تفاوت میان آن ها را می توان ناشی از تفاوت میان تعریف آن ها از مفهوم «خود» دانست. در تعبیر سنتی، «خود» مجموعه ای از ویژگی هاست که فرد را از دیگری متمایز می کند. اما در تعبیر متأخرتر، «خود» مجموعه ای از معناهاست که فرد میان تجربه های زندگی اش می سازد. در تعبیر نخست «خود» ماهیتی «مفهومی» دارد و در تعبیر دوم از جنس «روایت» است. این مقاله می کوشد تا با اتکاء بر متون نظری و با مرور مفاهیم روانشناختی مرتبط، از منظر تعبیر دوم توضیح دهد که چگونه یک محیط کالبدی مشخص مکان با هویت شخصی افراد ارتباط می یابد. چنان که توضیح داده خواهد شد، آن چه باعث می شود یک مکان- رویداد مشخص، در تصویر فرد از خودش اهمیت بیابد، نه خود آن مکان- رویداد بلکه «نسبتی» است که میان فرد و آن مکان- رویداد شکل گرفته است و هر بار به کمک داستان ها و صحنه های وابسته به آن بازسازی می سازد. می توان گفت نقش علوم طراحی در شکل گیری نسبتی میان فرد و مکان- رویدادها، زمانی بارز می شود که بتوانند به کمک ایجاد و تقویت «کیفیت هایی واسطه ای» میان فرد و یک مکان مشخص، امتزاج این دو، و امکان پدید آمدن داستانی مشترک میان «من» و «مکان» را میسر کنند.

کلمات کلیدی:

مکان، هویت شخصی، خود، هویت مکانی، خود مفهومی، خود روایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1228567>

